

زنان خانه‌دار

نیروی کار فراموش شده

کیمیا مهدی‌پور

در آغاز هزاره سوم انتظار می‌رفت که فعالیت اقتصادی زنان مانند مردان در تولید سرانه دیده شود. اما جایگاه مسلط مردان در بازار کار با تفکیک شغلی بر اساس جنس تثبیت شد. فرودستی زنان در سلسله‌مراتب اقتصادی دلایلی چندگانه دارد از جمله، نداشتن آموزش کافی برای به دست آوردن مهارت و تخصص، قبول دستمزد پائین، نبود تشکّل‌های زنانه، مسئولیت مالی مردان در قبال خانواده و ... بر اساس آمار سازمان ملل متحد، زنان نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند، اما نزدیک به دوسوم از کار جهان بر عهده ایشان است، ۱۰ درصد از درآمد جهان را دریافت می‌کنند و دارایی آن‌ها کمتر از یک درصد است. بر اساس بررسی‌های انجام شده ارزش تولیدات خانگی زنان در آمریکا ۳۷/۵ درصد تولید ناخالص ملی، در کانادا ۴۶/۳ درصد تولید ناخالص داخلی و در ایران در سال ۱۳۷۹ برابر با ۲۱/۶ درصد و در سال ۱۳۸۵ حدود ۱۶/۷ درصد تولید ناخالص داخلی برآورد شده است.^۱ این آمار و ارقام بیانگر این است که با توجه به این که کار خانگی به استحکام بدنه اقتصادی اجتماع کمک می‌کند اما سیاست‌های دولت در برابر آن متناقض است و این امر باعث شده تا فقر چهره زنانه‌ای به خود بگیرد.

در نظام اقتصادی که بر پایه رقابت بنا شده، قبول دستمزد پایین توسط زنان تهدیدی برای جایگاه مردان محسوب می‌شود، و چون مردان از زنان متشکّل‌ترند زنان را به سمت کار در حوزه خانه سوق می‌دهند.

با ظهور انقلاب صنعتی و ماشینی شدن زندگی، کار زنان از خانه به کارخانه منتقل شد و تولید نیز از مصرف جدا گشت، از آنجا که خانه جایگاهی برای مصرف بود و زنان نیز مسئول برآوردن نیازهای مصرفی خانواده بودند، با ارزش کار خانگی سنجیده شدند. در ایران بر اساس تحقیقاتی که به طور نمونه، در میان ۲۴۱ زن متاهل ۲۰ تا ۵۰ ساله ساکن مناطق ۱، ۶، ۱۵ و ۱۶ تهران انجام گرفت، ۸۳٪ از پاسخگویان نظافت روزانه خانه، ۶۲/۷٪ نظافت کلی خانه، ۸۰/۵٪ مسئولیت ظرفشویی، ۹۰/۹٪ مسئولیت آشپزی، ۴۱/۵٪ مسئولیت رسیدگی به درس بچه‌ها، ۷۷/۸٪ مراقبت از بچه‌ها در زمان بیماری، ۸۵/۱٪ شستن و مرتب کردن لباس فرزندان، ۶۲/۷٪ پذیرایی از مهمان، ۶۹/۳٪ جمع کردن میز غذا یا سفره، و ۸۳/۴٪ شستن سرویس‌های بهداشتی را به تنهایی انجام می‌دهند. به طور کل نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که ۸۲/۴٪

از پاسخ‌گویان به تنهایی مسئول کارهای خانگی در منزل هستند، با وجود آن که ۲۱/۶٪ از پاسخگویان شاغل بودند. یعنی بسیاری از زنان شاغل فشار مضاعفی را در انجام کار خانه و کار بیرون از خانه تجربه می‌کنند.^۲ همانگونه که در بزنگاه‌های تاریخ شاهد بوده‌ایم، با رفتن مردان به جنگ، زنان مشاغل خالی را پر کردند و چرخ اقتصاد را چرخانیدند ولی پس از اتمام جنگ و بحران دوباره کنار زده شدند. اکنون اما پایه‌های تفکر مرد محور متزلزل شده و بیش از ۵۰ درصد زنان در اروپا کار بیرون از خانه را انتخاب کردند.

کار خانگی سهم به‌سزایی در سرانه تولید داشته است. در ایران این سهم برابر یک‌سوم کل سرانه در اقتصاد غیررسمی است؛ اما به هیچ وجه در آمار رسمی اشتغال ثبت نمی‌گردد و به عنوان تولیدکننده ارزش اضافی و سود

زنان خانه‌دار به طور میانگین ۳ تا ۴ هزار ساعت در سال کار می‌کنند و تولیدکننده ۲۵ تا ۴۰ درصد ثروت هستند. ولی در نبود تعاریف حقوقی در قانون به عنوان یک شغل، نمی‌توانند در تصمیم‌گیری‌های کلان به نفع حرفه خویش دخالت کنند و اینگونه دچار از خود بیگانگی می‌گردند

نادیده گرفته می‌شود.

زنان خانه‌دار به طور میانگین ۳ تا ۴ هزار ساعت در سال کار می‌کنند و تولیدکننده ۲۵ تا ۴۰ درصد ثروت هستند. ولی در نبود تعاریف حقوقی در قانون به عنوان یک شغل، نمی‌توانند در تصمیم‌گیری‌های کلان به نفع حرفه خویش دخالت کنند و اینگونه دچار از خود بیگانگی می‌گردند؛ از این رو باید به کار زنان خانه‌دار هویت داده شود.

جامعه‌شناسان برای رفع ستم از زنان راهکارهایی ارائه دادند، به طور مثال بیش از یک دهه قبل دولت طرحی مبنی بر بیمه زنان خانه‌دار مطرح نمود که هرگز به مرحله اجرا نرسید. لازمه طرح فوق به رسمیت شناختن خانه‌داری به عنوان شغل بود. اما چون کار خانگی ارزش اقتصادی ندارد و قابل مبادله نیست، بی‌اهمیت شمرده می‌شود. در اینجا مسأله کارفرما نیز مطرح است. نتایج خدمات خانه‌داری به صورت نهان به خانواده و در نتیجه به کل جامعه خواهد رسید؛ زیرا زن نیروی کار رایگانی است که بستر کار بیشتر

مسأله کار خانگی زنان، به عنوان وجه و شیوه‌ای از تولید که تاکنون بیرون از بررسی‌های اجتماعی و نقد اقتصاد سیاسی مانده، به نظر نگارنده حائز اهمیت دوگانه است؛ از یکسو شکلی از بهره‌کشی از نیروی کار انسان و از سوی دیگر صورتی از تبعیض جنسیتی است. در این شماره نقطه نظرات متداول پیرامون آن را مطرح کرده‌ایم تا در شماره‌های آینده به بررسی و نقد آن بپردازیم.

خود در طرح‌های معماری و طراحی منازل مسکونی تغییراتی ایجاد کند. به این ترتیب معماران (و خود زنان فمینیست) دست به طراحی مجموعه خانه‌هایی بدون آشپزخانه مجزا برای هر واحد و با یک آشپزخانه مرکزی زدند. یکی از مشهورترین این طرح‌ها، طرح‌های گادوین، معمار مشهور انگلیسی برای یک خانه تعاونی در بیلدینگ نیوز است. نقدهایی نیز به این روش مطرح شده است از جمله این نقدها این است که نظریه فوق بر قبول کار خانگی به عنوان کاری زنانه تأکید می‌کند که بین زنان تقسیم‌بندی می‌شود.

کار خانگی به مثابه شغل و در نظر گرفتن بیمه و دستمزد برای آن باعث تثبیت حقوق زن در خانه و همچنین باز شناساندن جایگاهش در تولید سرانه ملی، مردان نیز می‌توانند در صورت تمایل، کار در خانه را به عنوان شغل خود انتخاب کنند و یا در انجام وظایف خانه‌داری به همسرانشان کمک کنند.

در این صورت از مشاوران خانواده و مددکاران اجتماعی انتظار می‌رود که به صورت سازمان یافته در جهت به رسمیت شناساندن کار خانگی همکاری کنند. که نیاز به اعتماد و تکیه بر فرهنگ‌سازی دارد؛ اما برخی معتقدند طرح فوق با تثبیت جایگاه زنان در خانه به تقسیم کار جنسیتی دامن می‌زند و زنان را در خانه محبوس می‌کند.

راه حل مطرح شده دیگر، اجتماعی کردن کار خانگی است، بدین گونه که خدمات خانه‌داری



طرح از: هانیال الخاص

توسط شرکت‌های دولتی ارائه گردد که باعث می‌شود زنان با دغدغه کمتر در امور اجتماعی مشارکت کنند، اما مسأله اینجاست که انجام امور خانه توسط افراد تحت استخدام دولت به شکاف طبقاتی دامن می‌زند زیرا مشاغل خدماتی عموماً متعلق به قشر تهیدست اجتماع است، و هم چنین خانه‌داری که عموماً زنانه پنداشته می‌شود در انحصار زنانی از طبقه فقیر قرار می‌گیرد و تبدیل به شغلی زنانه می‌شود.

نظریه دیگری توسط فمینیست‌های نو طرح شد، و با نام آشپزخانه اشتراکی بر پایه تعاون شکل گرفت. فمینیست‌های مادی یک ایده قدرتمند را بسط دادند مبنی بر اینکه زنان باید پیش از آنکه واقعاً به برابری جنسیتی در اجتماع دست یابند، خانه‌هایی با کار و مراقبت از فرزندان به شیوه اجتماعی خلق کنند. فی پیرس جزو اولین فمینیست‌هایی بود که با نزدیکی به محافل معماری توانست با نظریات

مردان را در خارج از خانه فراهم می‌کند. کاری که دولت موظف به پرداخت هزینه آن است توسط زنان در خانه به صورت رایگان انجام می‌گیرد. پس در حقیقت می‌توان دولت را کارفرمای زنان خانه‌دار دانست؛ درحالی که این زنان به عنوان نیروی کار، حتی در تقسیم‌بندی‌های دولتی نیز جایگاهی ندارند. دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس نیز ضمن بررسی ارزش اقتصادی کار خانگی زنان و شیوه‌های حمایت از آنان تصریح کرد که ارزش اقتصادی سالانه کار خانگی زنان بر اساس حداقل دستمزد معادل ۱۹ میلیون و ۲۰۰ هزار ریال در سال است. و با توجه به وجود ۱۷ میلیون و ۴۹۸ هزار و ۸۲۶ خانواده در کشور، ارزش اقتصادی کار زنان خانه‌دار در کل کشور بالغ بر ۳۳۶ هزار میلیارد ریال در سال می‌شود که سهم آن در تولید ناخالص داخلی به قیمت‌های جاری ۱۶٪ درصد خواهد شد.^۲

در سال ۱۳۸۷ در این زمینه طرحی به مجلس ارائه شد که شباهت زیادی با خویش‌فرمایی داشت، یعنی زنان خانه‌دار خود کارفرمای خویش باشند. بدین صورت که زنان خانه‌دار در هنگام مراجعه باید درآمد خود را که روزانه بین حداقل ۷ هزار و ۳۲۰ تومان تا حداکثر ۵۱ هزار و ۲۴۰ تومان است را به عنوان درآمد اعلام کنند، تا بر این اساس بتوان میزان نرخ پرداختی حق بیمه برای این گروه از متقاضیان را محاسبه کرد. با توجه به این که نرخ‌های پرداختی حق بیمه ۱۴، ۱۶ و ۲۰ درصد از دستمزدی اعلام شد که به وسیله خود متقاضیان گفته می‌شود، اگر زنان خانه‌دار با نرخ ۲۰ درصد بیمه پرداخت کنند؛ که دو درصد آن سهم دولت است می‌توانند از بیمه‌ای از کارافتادگی نیز برخوردار شوند و در غیر این صورت فقط شامل بیمه بازنشستگی و فوت می‌شوند. اما زنان خانه‌دار به دلیل نداشتن درآمد از این طرح استقبال نکردند.^۳

دولت خود را از پرداخت حق بیمه به عنوان کارفرمای زنان خانه‌دار معاف کرد و انتظار داشت که این مبلغ توسط مردی که زن با او زندگی می‌کند پرداخت شود زیرا زن خانه‌دار درآمدی ندارد. اما این مسأله علاوه بر این که استقلال زنان را متزلزل می‌کند و آنان را وابسته می‌نماید، نقش خانه‌داری در تولید سرانه را انکار کرده و کار خانگی را بی‌اهمیت جلوه می‌دهد. بنابراین طرح مورد استقبال قرار نگرفت.

راهکار ارائه شده دیگر طرح دستمزد به کار خانگی است، این نگرش اکتومبستی اولین بار توسط ماریا رزا دلا کوستا و سلما جیمز در کتابی با عنوان «قدرت زنان و انهدام جامعه» در سال ۱۹۷۲ مطرح شد. با به رسمیت شناختن

۱- همشهری آنلاین، محاسبه ارزش اقتصادی فعالیت‌های خانگی زنان ۳۱ اردیبهشت ۱۳۸۶
 ۲- کشاورز، ناهید (۱۳۸۲)، «کار خانگی زنان، مشکلی که تمامی ندارد»، فصل زنان (مجموعه آراء و دیدگاه‌های فمینیستی) به کوشش نوشین احمدی خراسانی و فیروزه مهاجر، جلد سوم، بهار.
 ۳- خبرگزاری ایلنا
 ۴- همان